

# زنان در آیین مانوی

## شخصیت‌های اساطیری قلمرو روشنایی:

در قلمرو روشنایی پنج عنصر نورانی وجود دارد که به آن‌ها پنج بزرگی می‌گویند. شهریار نور یا پدر بزرگی، دوازده ائون، ائون‌های روشنی، زمین نور و هوای نور. در کنار این پنج بزرگی، روح‌القدس نیز سکونت دارد. در متون مانوی طوری از ائون‌ها بحث شده است که گویی همگی مذکرند اما در برخی متون از زنان و دخترانی که در بهشت سکونت دارند نیز صحبت شده است: «خوشبخت و همایون [اند] همه‌ی روشنان. چون تو به شهریاری زاده شدی. دوازده پسران و عناصر نورانی آسمانی شادمان شوند... دخترکان زیبا و زنان جوان، اندیشمند بررستند؛ هنگامی که آنان را دیدی.»<sup>۲۷</sup>

### ● واخش یوزدهر<sup>۲۸</sup>

روح پاک، روح‌القدس، روح بزرگ حاکم بر سرزمین نور است که موجودات ساکن در آن (پنج بزرگی) را با روشنی تغذیه می‌کند.<sup>۲۹</sup> نام‌های دیگر آن ملکه‌ی جنان‌النور، روح یمنه و واخش زنده<sup>۳۰</sup> است. برخی از صاحب‌نظران «واخش یوزدهر» را همسر بزرگ‌ترین خدای مانوی (= پدر بزرگی) می‌خوانند. اگر این روح مؤنث باشد، در این صورت روحی که پنج بزرگی (که پدر بزرگی نیز یکی از آن‌هاست) از آن تغذیه می‌کنند، مؤنث است.

نکته‌ی قابل توجه در این‌جا تشابه اسمی میان «واخش یوزدهر» و فرشته‌ی حامل روح حضرت عیسی (ع) است. مسیح به تعبیر عیسویان روح خداست که توسط روح‌القدس به پیکر پاک حضرت مریم (س) دمیده شد. از آنجا که ماده، عنصر سازنده‌ی جهان تاریکی و موجودات آن است؛ اعضای جهان روشنایی هیچ کدام صورت جسمانی ندارند. پدر بزرگی برای آفرینش هر ایزد، بخشی از روشنایی وجود خود را به فعل می‌رساند که تحت عنوان ایزد جدیدی وارد عمل می‌شود.

اورمزد در اسطوره‌ی مانوی، ایزدی است که از مادر زندگان به وجود آمده و مادر زندگان خود فرزند پدر بزرگی و بخشی از وجود او است و پدر بزرگی هم به تبع بزرگی‌های دیگر از «واخش یوزدهر» تغذیه می‌کند. در آفرینش نخست اسطوره‌ی مانوی تثلیثی بدین شکل وجود دارد: «پدر بزرگی، انسان قدیم، واخش یوزدهر» که شباهت زیادی به تثلیث «پدر، پسر و روح‌القدس» دارد. ضمناً نقش مادر زندگان بسیار شبیه حضرت مریم (س) طراحی شده که قطعاً از تأثیرات آیین مسیحیت برمانی و اعتقاد و ایمان به یک مادر - خدا سرچشمه می‌گیرد.

مژگان صادقی

قسمت پایانی



الهه - ماهی، قرون ۱۷ و ۱۸ ق.م احتمالاً مربوط به منطقه‌ی تنگ سردک در کوه‌های بختیاری

● یکی از دلایل ده قرن پایداری مانویت، عدم تعصب نسبت به جنسیت یا طبقه‌ای خاص بود.

● مانی در اسطوره‌ی خود همه جا در کنار مردان و نقش‌های مهم و اساسی آن‌ها، زنان را قرار داده است. هر کجا مهریزد هست، مادرزندگان هم دیده می‌شود.

## ● مادر زندگان

در میان ایزدان مانوی تنها این الهه عنوان «مادر» دارد و با توجه به نامش مادر همه ایزدان به شمار می‌رود.

مادری که همه آنان را زاد زاینده‌ی همه‌ی زندگان نخستین زره خداوند...

فراز آمد و نیروی دشمن را در هم شکست آن جنگ‌جو، نیرومند و پر تکاپو که با زور خویش، سرکشی‌ها را رام کرد،<sup>۳۱</sup>

این ایزد - بانو نقش مهمی در نجات‌بخشی ذرات نور و انهدام مظاهر ظلمت و سازندگی جهان دارد و در کنار مهریزد (= روح زنده، یکی از ایزدان بزرگ آفرینش دوم) ایفای نقش می‌کند.<sup>۳۲</sup>

«روح زنده و مادر زندگان آغاز کردند به طراحی در آفرینش جهان. سپس آغاز کردند به ساختن آن»<sup>۳۳</sup> مادر زندگان وظایف خطیر خود را در آفرینش سوم<sup>۳۴</sup> به شخصیت مؤثدی دیگری به نام «کنیگ روشن» می‌دهد.

## ● دوازده دوشیزه‌ی روشنایی

دوازده دوشیزه‌ی روشنایی توسط ایردی به نام «روشن شهریزد»<sup>۳۵</sup> به زندگی فراخوانده می‌شوند که گویا با دوازده برج سال و دوازده زمان روز قابل قیاس‌اند.<sup>۳۶</sup> از آن جا که جایگاه روشن شهریزد گردونه‌ی خورشید است، عجیب نیست که فرزندان او دوازده ماه سال باشند.

پیامبر سوم

سزوارا

دوازده زمان و دوازده دوشیزه‌اش

که گرداگرد اویند

سزوارا<sup>۳۷</sup>

نام آن‌ها از این قرار است: «سلطنت، حکمت، نصرت، اعتقاد، طهارت، حقیقت، ایمان، صبر، صدق، احسان، عقل و نور»<sup>۳۸</sup>

این دوازده دوشیزه بسیار شبیه دوازده ائوَن (شاهزاده‌های بهشت نور) هستند و در بسیاری موارد با آنها مطابقت کامل دارند.

## ● کنیگ روشن<sup>۳۹</sup>

بتول نورانی یا دوشیزه‌ی روشنایی، ایزد مؤثدی آفرینش سوم که با «روشن شهریزد» مهم‌ترین ایزد این آفرینش برابری و همکاری می‌کند. وی در آزادسازی انوار محبوس و در مبارزه با دیوان شرکت می‌کند. جایگاه او ماه است و «شهریار تاریکی» یا «آز» الگوی چهره‌ی گهمرد<sup>۴۰</sup> و مُردیانگ (آدم و حوای مانوی) را از صورت آن‌ها برمی‌دارد. ستاره‌ی سدوس نام این ایزد - بانوست.

نقش این ایزد - بانو در کنار «روشن شهریزد» و شراکت او در مأموریت‌ها به حدی است که گاهی تصور می‌شود وی چهره‌ی دیگر «روشن شهریزد» است.

## ● بانوی کردار نیک

این نام در فهرستی از خدایان (یکی از متون سغدی CH/Ü 6827) آمده است. این ایزد مؤثدی احتمالاً نقش خود را به اقتباس از اسطوره‌ی زردشتی به عهده دارد. او به استقبال روان درستکاران در گذشته می‌رود، به آن‌ها خوشامد می‌گوید و آنان را به قلمرو نور راهنمایی می‌کند.<sup>۴۱</sup>

## شخصیت‌های اسطوره‌ای

### قلمرو تاریکی :

در قلمرو تاریکی «آز» یا «شهریار تاریکی» حکومت می‌کند. به او «آسریشتاران سالاره»<sup>۴۲</sup> هم می‌گویند. همچنین به این دلیل که بر ماده (منشأ پلیدی‌ها از نظر مانی) حکومت می‌کند او را به طور کلی «ماده» نیز خوانده‌اند.

در قلمرو ظلمت دیوها و موجودات اهریمنی گوناگونی زندگی می‌کنند که برخی از آن‌ها مؤثداند و به آن‌ها «دروچ»<sup>۴۳</sup> می‌گویند.

«دروچان

دوشیزگان شرم

نیزه‌های خویش فراز گرفته‌اند»<sup>۴۴</sup>

خصوصیات قلمرو تاریکی و آز کاملاً در تضاد با دنیای روشنایی و پذیرزگی است.

نکته‌ی جالب توجه این است که گاهی از «آز» به عنوان یک موجود مادینه صحبت شده است:

«آز، آن مادر دروند همه‌ی دیوان، خشمگین بود»<sup>۴۵</sup> شاید «آز» دارای دو جنسیت متفاوت باشد. احتمالاً مانی نمی‌خواست آن نظم و ترتیب قلمرو نور، عیناً در قلمرو تاریکی هم به چشم بخورد و شاید مایل نبود که یک شخصیت منفی مهم مانند آز را به جنس خاصی نسبت دهد. این احتمال هم وجود دارد که واژه‌ی «مادر» در نقش کلی آن به معنی احاطه‌کننده و در برگیرنده‌ی همه‌ی دیوان که از آن به وجود آمده‌اند؛ به کار رفته باشد. آخرین احتمال بازگشت به همان دیدگاهی است که مانی را نسبت به جنس زن بدبین می‌داند؛ و گرنه اهریمن هم به تبع «پذیرزگی» می‌توانست «پدر همه‌ی دیوان» خطاب شود.

○ اندیشه‌ی تاریک<sup>۴۶</sup>

موجود اهریمنی نیرومندی است که پدید آورنده‌ی هر گناه محسوب می‌شود. «زوندردمان» احتمال می‌دهد که این موجود همان «آز» باشد. برگردان نام این موجود به عربی Hummāma . به معنی تأمل، اندیشه و ملاحظه است. این واژه از ریشه‌ی hamma به معنی

در فکر بودن و نقشه‌ای در سر داشتن، به علاوه‌ی پسوند مؤنث‌ساز تشکیل شده و به طور کلی یعنی موجود مادینه‌ای که در صدد انجام نقشه‌ای است. در مواضع مانوی Homilien ed.polotsky,P.41.5ff و زبور مسانوی Psalm-book,P.11,26 ؛ به این جمله برمی‌خوریم: «او (= روح زنده) تاریکی را در گور(?) می‌گذارد، و مردانگی و زنانگی (او را<sup>۴۷</sup>)».

اگر این موجود را از بدائیم، مطلب فوق یک بار دیگر وجود جنسیت مؤثدی را در اهریمن تأیید می‌کند.

○ ارینوس<sup>۴۸</sup>

نام یک ماده دیو است.

«مگذار دیوان و ارینوس

با چهره‌ی ترسناکش

بترسانند»<sup>۴۹</sup>

## ○ بوشاسپ

در یکی از متون فارسی میانه<sup>۵۰</sup>، این نام ذکر شده است. در اسطوره‌ی زردشتی، بوشاسپ دیو - زنی است با دست‌های دراز که دیو خواب مفرط و تبیلی است و همه‌ی تلاشش این است که جهان را خصوصاً هنگام سحر در خواب نگه دارد. به او که احتمالاً مؤثدی است «بوشیاستا» یا «گوشاسپ» هم می‌گویند.<sup>۵۱</sup>

با توجه به معنی این کلمه (یعنی خواب، کاهلی و رؤیا)<sup>۵۲</sup> ممکن است ذکر این نام در متن یاد شده تنها اشاره به صفت و حالت دیوانی که در میان ابرها خفته‌اند باشد.

## ○ بیسان دروخشان

سه دیو زنی که چندان شناخته شده نیستند.

«... به کوشش، نیوشایان به کرفه‌گی [= نیکوکاری] که آغاز کرده باشند نیکی روح و جسم را، و به زور تو، خداوند، غلبه کنند به «بیسان دروخشان» پرفریب این جان، و مغلوب کنند به...»<sup>۵۳</sup>

## شخصیت‌های مثبت و

### منفی داستان آفرینش

#### نمرائیل

ماده دیوی که به دستیاری یک دیونر (اشقلون) ماده‌ی سازنده‌ی گهمرد و مردیانگ را تولید می‌کند.

«... اشقلون آن دسته از غریب‌ها را که مذکر بودند بلعید و نمرائیل ماده‌ها را فرو خورد. پس از مزاجت اشقلون با نمرائیل، آدم و حوا، اولین زوج انسانی به وجود آمدند»<sup>۵۴</sup>

#### پیسوس<sup>۵۵</sup>

نام این دیو در متن M129 در جوار نام «اشقلون» آمده است. آن جا که از اقدامات «خردشهریزد»<sup>۵۶</sup> در مبارزه با دیوان صحبت می‌شود: «اشقلون و پیسوس را

## مردیانگ ۶۲

مردیانگ نخستین انسان مؤنث در دین مانی است. طبق یکی از متون فارسی میانه ۶۳ از چهره‌ی دوشیزه‌ی روشنایی را از گردونه‌ی خورشید می‌بیند و جسم انسان مؤنث را به شکل او می‌سازد و تمامی صفات زشت و ناپسند از قبیل خشم و شهوت را در آن قرار می‌دهد؛ تا «... دزدتر و بزه‌کارتر، شهوت‌آگین و آرزوناک شود و آن نره مرد (آدم) را به آرزو بفریبد و از آن دو دام اندر جهان مردم زاده شوند...» ۶۴

طبق این متن مردیانگ از اساس به قصد فریفتن گهمرد آفریده شده است. از طرفی با مطالعه‌ی کامل متن، متوجه می‌شویم که بزه‌گری و شهوت‌پرستی به عنوان میراث شهریاری تاریکی در وجود هر دوی آن‌ها قرار دارد و هر دو فریب وسوسه‌های شیطانی را می‌خورند، و اگرچه مردیانگ وسیله‌ی گناه و ابزار اهریمن است ولی ضعف وجودی مرد یعنی میراث از باعث فریب وی می‌شود. چنان‌که «شائیل» یکی از پسران گهمرد، به سبب دارا بودن یخش بیش‌تری از نور، فریب وسوسه‌های آن و اطرافیاتش را نمی‌خورد و حتی پدر خود را به صلاح و درستکاری فرا می‌خواند. یعنی هرچه نفس (بخش شیطانی وجود) ضعیف‌تر باشد و ایمان (نور محبوس در جسم) بیش‌تر و قوی‌تر باشد، به طور قطع از شر شیطان در امان می‌ماند و در غیر این صورت به دام اهریمن می‌افتد. این همان اتفاقی است که برای دختران «مردیانگ» هم رخ می‌دهد؛ که یکی به سبب وجود نور بیش‌تر پرهیزکارتر و دومین به سبب وجود نور کم‌تر گناهکارتر است.

بنابراین مانی بدون توجه به جنسیت، قوت و ضعف انسان‌ها را با میزان نور موجود در کالبد آن‌ها سنجیده است.

نکته‌ی مثبتی که در مورد مردیانگ وجود دارد یکی از عناوین اوست.

«پس چون آن دام [= آفریده‌ی] ماده زاده شد، آنگاه او را «فرهان سربگه» نام کردند که خود (همان) مردیانگ (است).» ۶۵

فرهان سربگه یعنی شکوه یا معنویت زنانه، اگر مانی مردیانگ را یک موجود کاملاً منفی می‌دانست هرگز چنین عنوانی برای وی انتخاب نمی‌کرد.

طبق متن M129 مردیانگ در بیدارسازی و آگاهی گهمرد نقش به‌سزایی دارد. خرد شه‌ریزد برای بیداری و هشیاری گهمرد از قالب «مردیانگ» استفاده می‌کند. شاید به این دلیل که این‌زادان خود صورت مادی و جسمانی نداشتند و خرد شه‌ریزد برای این که به زمین بیاید احتیاج به یک کالبد جسمانی داشت.

«و بر حوا مستولی شد، زیرا جسم او قوی بود و روشن.» ۶۶

بدین ترتیب «خرد شه‌ریزد» از او همچون ابزار یا همکاری در جهت چیرگی بر جانوران وحشی که از سقط جنین ماده دیوان به وجود می‌آیند و وسیله‌ای برای روشن ساختن اندیشه‌ی آدم استفاده می‌کند.



بخشی از مینیاتوری مربوط به سده‌ی نهم میلادی که در خوجوی ترکستان چین یافت شده است. کاملاً مشخص نیست این نگاره مانوی یا بودایی است تصویر ردیفی از بانوان مشخص را نشان می‌دهد که هر یک تاجی بر سر و جامه‌ای باشکوه و فاخر دارند. نام‌های آن‌ها به خط سندی خوانا حک شده است.

او محکم بیست.» ۵۷ در الفهرست آمده است: «پس آن‌ها عیسا [= خردشه‌ریزد] را با خدایی فرستادند، پس آن‌ها به دو ارکون ۵۸ روی آوردند، پس آنها را زندانی کردند و آن دو مولود [= آدم و حوا] را رها کردند.» از آنجا که در جملات قبلی می‌گوید: «پس هنگامی که فرشته‌های پنجگانه روشنی و خوبی خدا را دیدند که حرص آن را دزدید و اسیر کرد؛ در آن دو مولود.» ۵۹ اگر منظور این‌ندیم از دو ارکون اشقلون و نمرائیل باشد، پس باید میان پیسوس و نمرائیل رابطه‌ای وجود داشته باشد. خانم بویس در توضیح نام پیسوس می‌گوید: «اسم خاص جانوری مؤنث که نخستین جفت انسانی را به دنیا آورد.» ۶۰ پس می‌توان نتیجه گرفت که پیسوس همان نمرائیل است.

در متن «ap» طوری راجع به پیسوس صحبت شده که گویی آفرینش انسان از طریق او صورت گرفته است. از طرفی به خاطر بیاوریم که اهریمن گاهی مؤنث خطاب شده است.

«پیسوس بزهگر تاریک

با درندگی به کجا نازد

...

اوروشنی را گیرد و بندد

...

آن را سازد به بسیار چهره

نگارد به بسیار پیکر

زندانی کند [روشنی را] در بندستان...» ۶۱

## ● در اسطوره‌ی مانوی تعادل و برابری میان دو جنس به چشم می‌خورد نه تعصب و دوری از زن.

## ● مانی، بدون توجه به جنسیت، قوت و ضعف انسان‌ها را با میزان نور موجود در کالبد آن‌ها سنجیده است.

## ● در اسطوره‌ی مانوی، گذشته از اصل منفور بودن ازدواج، مطلب دیگری که حاکی از نفی شخصیت زن باشد، وجود ندارد.

لازمه‌ی چنین امری این است که خود مردیانگ قبلاً نجات یافته و در جهت مأموریت آماده شده باشد. وی همچنین در امر آزدسازی نور و فرستادن آن‌ها به بهشت نقش مهمی دارد. در ادامه‌ی متن می‌خوانیم:

«و چند کار نیک نیز او [مردیانگ] انجام داد. برای [جمع‌آوری ذرات نور] رهسپار شد. و [انوار جمع شده] را پیشکش به ارابه و با احترام کرد و از ارابه‌ها به سوی بهشت خواهد رفت...»<sup>۶۷</sup>

### حکیمه‌الدهر

پس از این که «خردشهریزده» توسط مردیانگ، گهمرد را از اصل وجودی‌اش آگاه می‌کند و او را از مزاجت با مردیانگ منع می‌کند، «آز» خود با مردیانگ درمی‌آمیزد که حاصل آن فرزند مذکری به نام «قاین» می‌شود. از مزاجت قاین با مردیانگ یک پسر و دو دختر متولد می‌شوند. یکی از آن‌ها که در او «فضلی از نور خدا و حکمت بود»<sup>۶۸</sup> حکیمه‌الدهر نامیده شد و با هابیل یعنی برادرش ازدواج کرد.

### ابنة الحرس

دختر دیگر قاین و مردیانگ که به عکس حکیمه‌الدهر و مطابق تامش، فضلی از نور خدا و حکمت در او نبود و همسر قاین می‌شود.

### فریاد<sup>۶۹</sup>

در الفهرست آمده است که «پس فرشته‌ای از فرشتگان به نزد حکیمه‌الدهر شد و او را گفت: «خویش را حفظ کن. پس او [= طبق نظر کسلا، انسان قدیم یا روح‌الحیاء] از تو دو دوشیزه‌ی کامل برای مسرت خدا [یعنی پادشاه جهان روشنی، به وجود می‌آورد. و بر او (یعنی حکیمه‌الدهر) درآمد. پس از آن دو دوشیزه به وجود می‌آورد، پس یکی را «فریاد» و دیگری را «برفریاد» نامید.<sup>۷۰</sup>

نام او به صورت «مربار» و «فریاد» نیز آمده است. فریاد و خواهرش به سبب وجود نور موجود در جسم «مردیانگ» و فرشته از نور بیش‌تری برخوردارند.

با توجه به این که آمیزش و گسترش پراکندگی نور در کالبد انسانی از نظر مانویان عملی بد و نادرست است. آنچه ذکر شد اگر توسط فرشته یا ایزدی صورت گرفته باشد، بسیار تعجب‌آور خواهد بود، چرا که پدربزرگی طالب جدایی نور از ماده بود ته آمیختگی بیش‌تر آن و اصولاً این کار اگرچه از یک سو باعث تولید انسان‌های بهتر و صالح‌تر می‌شود اما عمل «خردشهریزده» را در دور نگاه داشتن آدم از حوا و جلوگیری از تولید انسان نوث می‌کند.

### برفریاد

دومین دختر حکیمه‌الدهر و خواهر فریاد، نام او را «برفریاد» و «برفریاده» هم ذکر کرده‌اند.

## شخصیت‌های غیراسطوره‌ای

### مؤنث

### آزادبام

یکی از زنان نیوشا.<sup>۷۱</sup>

### ایفیداما<sup>۷۲</sup>

خواهر ماکسیمیلیا، از قدیسه‌های مسیحی - مانوی.<sup>۷۳</sup>

### پسوش<sup>۷۴</sup>

شاهزاده خانمی که عضو طبقه‌ی گزیدگان مانوی بود.

در حفاری‌های واحه‌ی ترفان واقع در ترکستان چین تصاویری مینیاتوری از مانویان به دست آمده، از جمله یک غلم معبد که تصاویری بر آن نقش شده است، یکی از این تصاویر صورت بانویی است از طبقه‌ی گزیدگان که پیش روی او زنی دیگر یا جامه‌ی سرخ زانو زده و قدش کوتاه‌تر از بانوی نخستین است. در کتیبه نوشته شده که تصویر اول از شاهزاده خانمی به نام «پسوش» است.<sup>۷۵</sup>

### بنگ<sup>۷۶</sup>

یکی از سه زنی که هنگام مرگ مانی سوگواری کردند.<sup>۷۷</sup>

«هنگامی که پیکر او در آن جا بر روی خاک افتاده بود...»

سه تن از زنان آشنای راز او

با یکدیگر... به سوی او آمدند.

هر سه دست‌ها را بر روی چشمان او نهادند، چشمانش را بستند.

این زنان بر روی پیکر وی گریه می‌کردند و می‌گفتند: «ای پدر مهربان، دیده بگشای و بر ما نظر کن...»<sup>۷۸</sup>

### تکلا<sup>۷۹</sup>

یکی از زنان گزیده و مقدس مسیحی مانوی که با

وضع دردناکی کشته شد.

تکلا، خدا دوستار، بر آتش نهاده شد

مصلوب و شاد پذیرای آتش شد

...

پس رنج برد، اما درمانده نشد...»<sup>۸۰</sup>

### خبر اوسیگ

یکی از زنان نیوشا. طبق یک متن پارتی، مانی پس از مرگ پسرش به معجزه او را از جایگاه فرزندش با خبر می‌کند.

«به خبر اوسیگ، گفت که بدان «داراپور» نجات یافت. چه من... نشان خجسته دیدم... و ببین جان «دارا» را فرشتگان به نزد من راهنمایی کردند و نگهداشتند، هنگامی که آراسته شده است به جامه‌ی مرسوم شهریاران و هنگامی که «ایرسام» و خبر اوسیگ شنیدند، شدند و به پای کرفه‌گر [= مانی] افتادند و گفتند که گرویدیم به تو خدای...»<sup>۸۱</sup>

### دروسیان<sup>۸۲</sup>

از قدیسه‌های شهید مانوی.<sup>۸۳</sup>

### دُخش آزاد

از زنان نیوشای ایرانی که او را «رخش‌زاده» هم گفته‌اند.<sup>۸۴</sup>

### دینک<sup>۸۵</sup>

یکی از زنانی که پس از مرگ مانی بروی سوگواری

کردند.

### زَنوبیا

همسر «سپتیموس ادائانتوس»<sup>۸۶</sup> و خواهرانش<sup>۸۷</sup>

در متون مانوی از او تحت عنوان تَدی Tadi/Tadai هم نام برده شده است.

### قَرَنبام و فریبام

دو تن از زنان نیوشا.<sup>۸۸</sup>

### مریم

هرمزبور مانوی با نیایش خداوند، عیسا، مانی، گزیدگان و شماری از آن‌ها که احتمالاً جزو شهدا بوده‌اند، پایان می‌یابد، یکی از کسانی که به کرات نامش گرامی داشته شده، مریم است «پیروز باد روح خجسته‌ی مریم...»<sup>۸۹</sup>

### نوشک<sup>۹۰</sup>

نوشک یا انوشک، یکی از سه زنی است که پس از مرگ مانی، برایش سوگواری کردند.

### ونوبام

یکی از زنان نیوشا.<sup>۹۱</sup>

### یولیا

«زن مبلغ مانوی، از اهالی انطاکیه که به روایت «مارکوس دیاکونوس» در حدود سنه‌ی ۴۰۰ میلادی به غزه آمد تا به نشر دین مانی بپردازد.»<sup>۹۲</sup>

راجع به این زن پیر که جولیا هم خوانده شده است؛ در نوشته‌های مردی مسیحی به نام «مارک» (سده‌ی سوم میلادی) آمده است که چند دختر جوان و دو مرد از مانویان او را همراهی می‌کردند. مجلس مناظره‌ای میان یولیا و سنت پرفیر برگزار می‌شود و چون پرفیر با استواری و استقامت یولیا روبه‌رو می‌شود دستور می‌دهد تا او را پس از بریدن زبانش بکشند.<sup>۹۳</sup>

### نتیجه

آیین مانویت حدود ده قرن دوام یافت و اگرچه اغلب از جانب قدرت‌های حاکم حمایت نمی‌شد و حتا با مخالفت آن‌ها روبه‌رو بود؛ در شرق و غرب از سرزمین چین تا اروپا گسترش یافت.

یکی از دلایل پایداری و دوام دین مانی بدون شک، عدم تعصب نسبت به جنسیت یا طبقه‌ای خاص بوده است. شاهد ما بر این مدعا، آیین کهن «مهرپرستی» است که با وجود گسترش آن از شرق ایران تا دولت مقتدر روم شرقی، تخصیص این دین به یک گروه و جنس خاص، انجام قربانی‌ها و ضیافت‌های پرخرج، آن هم در سرزمینی که مردم آن زیر بار جنگ‌های سلطه‌طلبانه‌ی حاکمانشان و سیستم جمع‌آوری مالیات‌های کمرشکن در وضعیت اسفباری به سر می‌بردند، مانع دوام و بقای آن شد. مانی برای گسترش یک دین جهان شمول همه‌ی جوانب را در نظر گرفته بود. اگرچه او مزاجت را مانع پیشرفت دین و سبب اختلاط گسترده‌ی نور و ماده می‌پنداشت. اما دین او هرگز یک آیین صرفاً مردانه نبود.

مانی در بین‌النهرین (بابل) متولد شد؛ در حالی که اصل و نسب وی ایرانی بودند. از زمان‌های خیلی دور

میان ایران و بین‌النهرین تبادل فرهنگی وجود داشته است. علاوه بر این‌ها تولد مانی مصادف با عهده‌ی بود که ادیان و تفکرات جدیدی در این نواحی ظهور نموده بودند. ادیانی مثل آیین بودایی و هندو، در مشرق، مسیحیت و ادیان گنوسی و تفکرات فلسفی یونانی، در غرب، آیین مزدیسنی که خود آمیزه‌ای از دین زردشتی، فلسفه‌ی یونان و مذهب طبیعت‌گرایی پیش از زردشت بود، در ایران؛ آیین میتره‌ئیسم در خاور ایران و اندیشه‌ی زروانی در باختر آن.

نکته‌ی قابل توجه در این میان نقش اساطیر قدرتمندی است که تحت تأثیر زندگی کشاورزی هر دو ناحیه به وجود آمده بود و با وجود هجوم اقوام مهاجر هند و اروپایی و سامی گرچه تا حدی تغییر یافت ولی هرگز به طور کامل از میان نرفت. پس اگر مشابهت‌های زیادی میان دین و اسطوره‌ی مانوی و تک‌تک این تفکرات به چشم می‌خورد؛ کاملاً طبیعی است.

فرهنگ پدر - سالاری تفکرات گنوسی، از جمله مانویت را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. زن در آینه‌ی مانویان لغو‌اگر شد و یکی از راه‌های رستگاری مردان دوری از زن عنوان شد. اما تضاد آشکاری میان اندیشه‌های مردسالار و فرهنگ اصیل و قوی مادر - خدایی حاکم بر منطقه و افکار و اندیشه‌ی مردم آن روزگار وجود داشت که مانی هم از تأثیرات آن بی‌بهره نماند.

بدین ترتیب در اسطوره‌ی مانوی گذشته از اصل منفور بودن ازدواج، مطلب دیگری که حاکی از نفی شخصیت زن باشد، وجود ندارد.

مانی در اسطوره‌ی خود زنان را همه جا در کنار مردان و نقش‌های مهم و اساسی آن‌ها قرار داده است. هر کجا مهریزد هست، مادر زندگان هم دیده می‌شود. دوشیزه‌ی روشنی یا به پای روشن شهریزد ایفای نقش می‌کند. دوازده دوشیزه‌ی روشنایی در کنار دوازده شاهزاده‌ی نور ایجاد تعادل می‌کنند و سرانجام مردیانگ شانه به شانه‌ی خرد شهریزد انجام وظیفه می‌کنند.

این که تعداد ایزدان مذکر بیش‌تر از زنان است و در متون مانوی جای جای از کلماتی مثل برادر، نر و مادر به شکل کلی استفاده شده است، در جمع موجودات اهریمنی مرتب به دیوزنان و دیومردان اشاره شده و یا از پریان در کنار دیوان صحبت شده اما در مقابل؛ ایزدان و فرشتگان به شکل کلی و بدون ذکر نشانه‌ی تمایزکننده‌ای از نظر جنسیت خلق شده‌اند. همچنین تمایز شخصیت‌های مؤنث و مذکر سرزمین نور و در مقابل نامشخص بودن جنسیت برخی از موجودات اهریمنی؛ از همه مهم‌تر اطلاق اوصاف جنس ماده به اهریمن و اندیشه‌ی تاریک که خود جلوه‌ای از شاهزاده‌ی تاریکی است، از وجود جامعه یا اندیشه‌ی مردسالاری خبر می‌دهد که زمینه‌ساز غلبه‌ی واژه‌های مردانه و بروز جو مرد - تبار بوده است، نه تعصب مانی

در مورد جنس زن، عدم وضوح جنسیت در دنیای تاریکی و صورت عکس آن در دنیای نور؛ همان‌طور که قبلاً گفته شد نقش زن را در مقام‌ها و موقعیت‌های برجسته و حساس نمایان کرده است و باید گفت که در اسطوره‌ی مانوی تعادل و برابری میان دو جنس به چشم می‌خورد نه تعصب و دوری از زن.

در همین راستا دوگانگی جنسیت اهریمن، برابری و تعادل دو جنس از نظر مانی را بیش‌تر تأیید می‌کند. حتا در جمع انسان‌های اساطیری غلبه‌ی زنان در کفه‌ی پرهیزگاران بیش‌تر است. فریاد، بر فریاد و حکیمه‌الدهر در مقابل ابناء‌الحرص و مردیانگ که سرانجام راهی دوزخ شدند.<sup>۹۴</sup>

در جامعه‌ی مانویان هم حضور قابل توجه زنان را شاهد هستیم. اگرچه تعداد مردان گزیده نسبت به زنان بیش‌تر است اما حضور همین افراد معدود به خوبی نشان می‌دهد که جامعه‌ی برگزیدگان مانوی، زنان را هم در خود می‌پذیرفته است و شعار پرهیز از «شراب و گوشت و زن» مانع از حضور آن‌ها در کنار مردان و انجام امور مهمی همچون تبلیغ و نشر دین نمی‌شده است. زنان مانوی همچون ستمبل‌های اسطوره‌های خود می‌توانستند عهده‌دار اعمال مهم و اساسی باشند، اما کمی تعداد آن‌ها، شاید به دلیل عدم تمایل خودشان به پذیرش زندگی سخت گزیدگان مانوی بوده است، طرد زنان از سوی مانویان، واژه‌های سغدی  $\delta\eta\eta\beta\tau\eta\epsilon$  و  $\delta\eta\eta\beta\tau\eta\delta\tau$ <sup>۹۵</sup> به ترتیب به معنای زن برگزیده و زنان برگزیده‌ی مانوی و  $\mu\eta\omega\delta\kappa\eta\tau$  و  $\mu\eta\omega\delta\kappa\eta\tau\eta\epsilon$ <sup>۹۶</sup> به معنی سرپرست نیوشاگان زن، بیانگر تعداد قابل توجه این زنان است. بدین ترتیب شاید بتوان نتیجه گرفت که قصد مانویان از طرح شعار فوق‌الذکر نفی ازدواج بوده است نه مخالفت با نقش جنس مؤنث.

#### منابع فارسی:

- ۱- آلبری، سی. از س ۱۲۷۵، زبور مانوی، ترجمه‌ی ابوالفاسم اسماعیل پور، تهران.
- ۲- آموزگار، ژاله ۱۳۷۴، تاریخ اساطیر ایران، تهران.
- ۳- ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۴، «شرح الفهرست ابن ندیم، عقاید مانویان، آشنایان»، صص ۱۳ تا ۱۸.
- ۴- بدانتر، الزابت ۱۳۷۷، «دکتواکای در تاریخ، ترجمه و تلخیص افسانه وارسته‌فر، زنان»، ش ۴۴، صص ۴۵ تا ۴۸.
- ۵- بهار، مهرداد ۱۳۷۵، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران.
- ۶- بهزادی، رقیه ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳، «قوم‌های کهن: آشور (۲) چیست»، صص ۸۳۶ تا ۸۴۶.
- ۷- پورداود، ابراهیم ۱۳۴۷، پشت‌ها، ج اول، تهران.
- ۸- تقی‌زاده، سیدحسین و افشار شیرازی، احمد ۱۳۲۵، مانی و دین او، تهران.
- ۹- چایلد، گوردن ۱۳۶۹، سیر تاریخ، ترجمه‌ی احمد بهمنش، تهران.
- ۱۰- دوران، ویل ۱۹۳۵، تاریخ تمدن، کتاب اول، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران؛ نیویورک.
- ۱۱- راوندی، مرتضی ۱۳۴۷، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، تهران.
- ۱۲- زوندرومان، ورنر ۱۳۷۵، «بازنگری جایگاه مهر در بزندانشناسی مانوی»، ترجمه‌ی امید بهبهانی، فرهنگ، ش ۱۷، صص ۲۰۱ تا ۲۲۰.
- ۱۳- کرایمر، ساموئل ۱۳۴۰، الواح سومر، ترجمه‌ی داود رسایی، تهران؛ نیویورک.
- ۱۴- کتاب مقدس ۱۹۸۱، ترجمه از اصل عبرانی، کلدانی و یونانی.

تهران.

- ۱۵- کامرون، جورج ۱۳۷۴، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن نوشته تهران.
- ۱۶- کریستنسن، آرتور ۱۳۶۸، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران.
- ۱۷- گیشمن، رومن ۱۳۷۰، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، تهران.
- ۱۸- مزداپور، کتابون ۱۳۷۱، افسانه‌ی پری «در هزار و یک شب»، شناخت هویت زن ایرانی، تهران، صص ۲۹۰ تا ۳۴۲.
- ۱۹- مزداپور، کتابون ۱۳۶۹، شایسته ناشایسته، تهران.
- ۲۰- معین، محمد ۱۳۲۲، «خدا چگونه پدر گردید»، سخن، سال اول، شماره‌ی سوم، صص ۲۳۷ تا ۲۴۵.
- ۲۱- مکنزی، دن ۱۳۷۳، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه‌ی مهشید میرفخرایی، تهران.
- ۲۲- ملاک بهبهانی، امید ۱۳۶۹، «بررسی متن‌های فارسی میانه و پارسی مانوی بر مبنای کتاب Mittel persische und parthische kosmogonische und parabel text der menichäer/werner - sundermann کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی.
- ۲۳- ناطق، ناصر ۱۳۵۷، بحثی در باره‌ی زندگی مانی و پیام او، تهران.
- ۲۴- وامفی، ایرج ۱۳۷۸، نوشته‌های مانی و مانویان، تهران.
- ۲۵- ویدن گرن، گنو ۱۳۵۵، مانی و تعلیمات او، ترجمه‌ی زهرا صفای اصغری، تهران.
- ۲۶- هوک، ساموئل هنری ۱۳۶۹، اساطیر خاورمیانه، مترجمان: علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران.
- ۲۷- یعقوبی، ابن‌واضح (احمدابن‌یعقوب) ۱۳۶۶، تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی ابراهیم آیتی، ج ۱، تهران.

#### منابع اخذ تصویر:

- ۱- لاهیجی، شهاب و کار، مهرانگیز ۱۳۷۱، شناخت هویت زن ایرانی در گستره‌ی پیش‌تاریخ و تاریخ، تهران.
- ۲- یواخیم کلیم کایت، هانس ۱۳۷۳، هنر مانوی، تهران.

#### منابع لاتین:

- 1- Boyce, M 1975, A Reader in Manichaean Middle Persian and parthian, Acta Iranica 9, Téhéran, Liège.
- 2- Boyce, M 1977, A Word - List of Manichaean Middle Persian and parthian, Acta Iranica 9a, Téhéran, Liège.
- 3- Gershevitch, I 1961, A Grammar of Manichaean Sogdian, Oxford.
- 4- Henning, W.B 1948, «A Sogdian Fragment of the Manichaean Cosmogony», BSOAS, PP.306-318.
- 5- Sundermann, W 1994(a), «Iranische Personennamen Der Manichäer», Die Sprache - Zeitschrift (für Sprachwissenschaft), Harrassowitz Verlag, PP.214-269.
- 6- Sundermann, W 1994(b), «Eine Liste Manichäischer Götter in Soghdischer Sprache», Tradition Und Translation Walter de Gruyter, Berlin; New York.
- 7- Sundermann, W 1944(c), «Eva Illuminatrix Gnosis Forschung Und Religionsgeschichte» (Festschrift Für Kurt Rudolph zum 65. Geburtstag), Diagonal-Verlag Marburg, PP. 317-327.

#### پانویس:

- 27- Boyce, 1975.p.67(y 24) ترجمه‌ی دکتر ایرج وامفی: Wāxš yōjdayr. ۲۸- Wāxš yōjdayr: فارسی میانه، به معنی روح پاک و مقدس ۲۹- آلبری، ۱۳۷۵، صص ۵۶



شماره اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

سن:

تحصیلات:

شغل:

نشانی:

کد پستی:

یا صندوق پستی:

تلفن:

به پیوست فیش بانکی به شماره ی

مبلغ ریال بابت

بهای اشتراک یک ساله ی مجله ی حقوق زنان

(برای ۱۲ شماره) فرستاده می شود. خواهشمند

است مجله را برای مدت یک سال از

شماره ی ..... به نشانی بالا بفرستید.

● برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و

کد پستی را حتماً یادداشت کنید.

● بهای اشتراک را به حساب جاری شماره ی

۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه ی امیرآباد کد

۱۲۸ به نام مجله ی حقوق زنان (قابل پرداخت

در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز کرده و

اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل

شده ی اشتراک به آدرس: تهران - خیابان کارگر

شمالی - خیابان فرصت شیرازی - پلاک ۱۴

طبقه دوم غربی (واحد ۶) کد پستی ۱۴۱۸۹

مجله ی حقوق زنان یا صندوق پستی

۱۳۱۴۵/۲۶۳ بفرستید.

● لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت

نخستین شماره ی اشتراک نزد خود نگاه دارید.

● بهای اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) با

پست عادی مبلغ ۳۸۰۰ تومان برای تهران و

برای شهرستان ۳۹۰۰ تومان است. بهای

اشتراک برای شش ماه (۶ شماره) نصف مبلغ

بالا خواهد بود.

● در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً

دفتر مجله را آگاه کنید.

90- Nušak

۸۷- یکی از گردگان مانوی

۸۸- اسماعیل پور ۱۳۷۶، ص ۹۳

۸۹- البری، ص ۱۷۴ (مزمور ۲۵۳)

۹۱- اسماعیل پور ۱۳۷۵، ص ۹۳

۹۲- تقی زاده ۱۳۲۵، ص ۱۸

۹۳- ناطق ۱۳۵۵، صص ۲۶-۲۸

۹۴- ابوالقاسمی ۱۳۷۴، ش ۲۴، ص ۱۴

95- Gershevitch 1961, P.158

96- Ibid, P.41

توضیح:

در شماره ۱۶ مجله در مطلب زن در عصر مانی بخش

اول صحیح غلط‌های املایی به این صورت است:

حسکانیان، زروانیت، مدیر، آژ، آسیانی، شیله‌هه، آدا،

غریزی و پانوش‌ها به صورت زیر صحیح است:

1- 1975

5- nišoša

nyoša

6- wizidayan

۷- هنری هوک ۱۳۶۹ ص ۱۲

۱۲- نام و

۲۵- فصل سوم: مردابور ۱۳۶۹، ص ۵۴

زن از دید برخی ادیان سامی صحیح است.

بخش پایانی توضیح عکس صفحه ۶۱: که بنابه نظر

برخی هنرشناسان بعدها الهام‌بخش هنرمندان در

ساخت تندیس‌های مادر و فرزند شد.

۵۸- دیو

۵۹- ابوالقاسمی ۱۳۷۴، ش ۲۴، ص ۱۳

60- Boyce 1977, P.26

61- Boyce 1975, P.99(ap 2-5)

62- Murdyanag: < mrtyanaka = مرد و انسان

فارسی میانه: mašya- < ایران باستان:

63- Boyce 1975, P.73-74(y 47)

۶۴- وامفی ۱۳۷۸، ص ۲۲۳

65- Boyce 1975, P.74(y 48) ترجمه ی دکتر وامفی،

66- Sundermann(c) 1994, P.319

67- Ibid

۶۸- ابوالقاسمی ۱۳۷۴، ص ۲۴، صص ۱۳ و ۱۴

۶۹- Friyādar: پارسی

۷۰- ابوالقاسمی ۱۳۷۴، ش ۲۴، ص ۱۴

۷۱- اسماعیل پور ۱۳۷۶، ص ۹۳

72- Iphidama

۷۳- اسماعیل پور ۱۳۷۶، ص ۹۳؛ ماکسیلا هم از قدیسان

مسیحی - مانوی بود.

74- Bosuš

۷۵- کریستن سن ۱۳۶۸، ص ۲۹۱، در این منبع «بوسک» ذکر

شده است؛ نیز، کابت ۱۳۷۳، ص ۱۹۱

76- Banak

77- Sundermann 1994(a), P.246

۷۸- ناطق ۱۳۵۷، ص ۲۲۱

79- Thecla

۸۰- البری ۱۳۷۵، ص ۵۱۸ و ۴۱۱ (مزامیر توماس - ۹)

81- Boyce 1975, P.38-39(g 1-3)

82- Drusiane

۸۳- البری ۱۳۷۵، ص ۲۸۰ (هراکلیوس)

۸۴- اسماعیل پور ۱۳۷۶، ص ۹۳

85- Dinak

۸۶- ظاهراً نیصر روم شرقی

مجله ی حقوق زنان

در شهرستان‌ها

نماینده ی فعال

می پذیرد

۶۴۳۴۲۶۰